گپ وگفت با عوامل تئاتر عاشورایی
که قرار است به زودی در تئاتر شهر مشهد به روی صحنه برود

«مثنوی سرخ» یک «نذر فرهنگی» است

گزارش روز

رضا میرزاده| اجرای مجدد برخی از آثار فاخر هنری، با وجود گذشت سال ها از اجرای نخستین آن ها، همچنان می تواند تأثیرگذار باشد و با استقبال گسترده مخاطبان روبه رو شود. همان گونه که نمایشنامه های برجسته نویسندگان بزرگ جهان بارها و بارها، حتی با برداشت هایی متفاوت، روی صحنه رفته اند و توانسته اند ارتباطی مؤثر با تماشاگران برقرار کنند. رضا حسینی، از کارگردانان پیشکسوت تئاتر مشهد، این روزها به همراه تیمی حرفه ای قصد دارد نمایشی را دوباره به روی صحنه ببرد که نخستین بار اجرای آن در اوایل دهه ۷۰ رقم خورده و در چند مقطع زمانی پس از آن نیز اجرا شده و افتخارآفرینی هایی در جشنواره های مختلف داشته است. نمایشی با عنوان «مثنوی سرخ» به نویسندگی آرش خیرآبادی که این بار با تهیه کنندگی مسعود حکم آبادی، در دهه سوم ماه محرم امسال در سالن اصلی تئاتر شهر مشهد اجرا خواهد شد. نمایشی آیینی که با فضای ماه عزاداری سید و سالار شهیدان نیز هم خوانی دارد. در حاشیه یکی از تمرینات، با برخی از عوامل تیم «مثنوی سرخ» همراه شدیم و به گفت وگو نشستیم. آنچه در ادامه خواهد آمد، ماحصل آن است.

«مثنوی سرخ»؛ تلفیقی از تعزیه و نمایش مدرن

آرش خیرآبادی، نویسنده، منتقد و مدرس دانشگاه که نگارش این اثر را بر عهده دارد، می گوید: سال ۱۳۷۳ در شهرستان تربت حیدریه دانشجو بودم و نزدیک ماه محرم، رضا حسینی متنی تعزیه ای، منظوم و درباره حُر برایم آورد و خواست اگر ایرادی دارد، آن را تصحیح کنم. متن را خواندم و به او گفتم اگر قرار باشد این متن تصحیح و سپس اجرا شود، باید بازنویسی شود. پیشنهادم را پذیرفت و از آن استقبال کرد. متن اولیه را کنار گذاشتم و طی دوازده روز، متنی با عنوان «مثنوی سرخ» نوشتم. این متن نیز منظوم است و اشعار آن را خودم سرودم. البته در چهار فراز آن، چهار غزل از حافظ نیز توسط هم سرایان اجرا می شود.

البته باید بگویم که این دوازده روز نگارش، حاصل سه ماه مطالعه فشرده بود. از آقای حسینی سه ماه فرصت گرفتم و در این مدت، مطالعه ای عمیق درباره واقعه کربلا داشتم. تنها درباره حرکت امام حسین (ع) از مکه به کوفه و دلایل انتخاب کوفه به عنوان مقصد، ۳۸ جلد کتاب خواندم. همچنین هر متنی از تعزیه که در دسترس بود را مطالعه کردم. وی می افزاید: متن اولیه، تعزیه بود؛ اما در متن جدید، قالب کار به کلی تغییر کرد و به یک نمایش کلاسیک یونانی تبدیل شد. موسیقی و هم سرایی به کار اضافه شد و فرمتی تلفیقی از تعزیه و نمایش مدرن به وجود آمد. خیرآبادی با بیان اینکه نخستین اجرای این نمایش در سال ۱۳۷۵ رقم خورد، می گوید: هنروران آن، مدد جویان زندان تربت حیدریه بودند که به دلیل اجرای موفقشان، همگی مورد عفو قرار گرفتند. به عبارتی، «حُر» نمایش «مثنوی سرخ» باعث عفو و آزادی همه آن ها شد.

وی می افزاید: پس از آن، این نمایش اجراهای دیگری نیز داشت. نسخه ای تلویزیونی از آن نیز ضبط و چندین بار پخش شد. اگر درست به خاطر داشته باشم، این چهارمین باری است که قرار است به روی صحنه برود.

روایت از تاریخ

نویسنده نمایشنامه «مثنوی سرخ» در ادامه می گوید: با گذشت این سال ها و در اجراهای مختلف، شالوده اصلی متن تغییر نکرده، اما به تناسب اجرای آن طی این مدت، تغییراتی در آن ایجاد شده است. درگیری ها و ستیزها و پیوند دراماتیک داستان بیشتر شده است. طبیعی است که پس از گذشت سی سال، جهان بینی ما دچار تکامل می شود و همین هم باعث شده گاهی در متن، تغییراتی متناسب با زمان و مخاطب ایجاد شود. به عبارت بهتر، از شعارها کم شده و بیشتر به درون مایه و روان شناسی افراد دخیل در واقعه پرداخته شده است.

وی می افزاید: در اجراهایی که این نمایش داشته، توانسته ارتباط بسیار خوبی با مخاطب برقرار کند. البته، همان طور که پیش تر اشاره کردم، در اجراهای مختلفی که در طول زمان صورت گرفته، از ثقل و سنگینی ابیات کاسته شده تا مخاطبان بتوانند ارتباط بیشتری با اثر برقرار کنند. اشعار این متن در قالب مثنوی و در دو وزن سروده شده است، و تناسب این اوزان در بخش های روایی، رزم ها و رجزها به خوبی رعایت شده است.

این نویسنده در ادامه می گوید: روایت نمایش، ماجرای حُر در واقعه عاشوراست. این متن «روایت از تاریخ» است و با «روایت تاریخی» تفاوت دارد. ما با نگاه دراماتیک به رویداد تاریخی آن را روایت می کنیم. شاید در تاریخ، هیچ کدام از دیالوگ های متن بر زبان افراد جاری نشده باشد. در حقیقت، ما به ذهن افرادی که از آن ها روایت می کنیم وارد شده ایم و آن را به صورت دیالوگ درآورده ایم. این متن، در واقع بازتاب «درون گویه» های شخصیت هاست. ما صرفا عملکردها را نمی بینیم، بلکه به آنچه منجر به آن عملکردها شده نیز توجه داریم..

ساختاری امروزی از یک محتوای تاریخی

خیرآبادی تأکید می کند: در این نمایش، ما برای مخاطبانی روایت می کنیم که برخلاف اجرای نخست، در جامعه ای زندگی می کنند که شبکه های اجتماعی حرف اول را می زنند و رسانه ها نقشی بسیار پررنگ در زندگی روزمره دارند. دیدگاه های افراد نیز نسبت به بسیاری از مسائل دچار تحول شده است. ما نیز تلاش کرده ایم این دگرگونی در مخاطب را در متن نمایش لحاظ کنیم. البته این تغییرات بیشتر در فرم ایجاد شده اند تا در محتوا.

خیرآبادی در ادامه می گوید: در جامعه امروزی و در مراسم عزاداری، با افرادی روبه رو می شویم که شاید در نگاه نخست با آنچه از گذشته درباره عزاداران در ذهن داشته ایم تفاوت داشته باشند. اما نباید فراموش کنیم که جنبه های ایمانی در جامعه، به ویژه در میان نسل جوان، همچنان وجود دارد. این موضوع را می توان درباره بازیگران نمایش نیز مشاهده کرد. به جز چند نفر معدود، همه بازیگران این اثر جوان هستند. اگر آن ها نتوانند با متنی که قرار است اجرا کنند ارتباط برقرار کنند و آن را نپذیرند، نه تنها بازی مناسبی ارائه نخواهند داد، بلکه در فرایند دشوار تمرینات نیز دوام نمی آورند. همین مسئله را می توان به مخاطب نیز تعمیم داد؛ چراکه جامعه مخاطب نیز از دل همین افراد شکل می گیرد. باز هم تأکید می کنم که ما جامعه ای ایمانی داریم، اما این جامعه در مقایسه با گذشته، قرائت ها و برداشت های متفاوتی پیدا کرده است. در جامعه امروز، ایمان و اعتقاد افراد ممکن است با کلیشه های ذهنی ما از افراد معتقد تفاوت داشته باشد. در نهایت باید بگویم اجرای جدید «مثنوی سرخ» ساختاری امروزی از یک محتوای تاریخی دارد که امیدوارم مورد استقبال مخاطبان قرار بگیرد.

«مثنوی سرخ»؛ از زندان تربت حیدریه تا سالن اصلی تئاترشهر تهران

رضا حسینی، کارگردان نمایش «مثنوی سرخ» نیز درباره سابقه اجرای آن می گوید: سال ۱۳۷۰ به عنوان کارشناس هنری اداره ارشاد تربت حیدریه، مأمور شدم در سازمان زندان ها تا همراه با زندانیان فعالیتی هنری داشته باشم. آن زمان، این موضوع برای من مهم بود که مضمونی را با آن ها کار کنم که قابل لمس و پذیرش باشد و زمان در آن جریان داشته باشد. افرادی که به صورت فیزیکی در زندان به سر می برند، بعضا روح و روان آن ها هم اسیر می شود. البته این زندان روحی و روانی را ممکن است افرادی که به ظاهر در جامعه زندگی می کنند نیز برای خود ترسیم کنند. در هر حال، دوست داشتم متنی را کار کنم که لااقل به آزادی روح و روان افراد منجر شود.

وی می افزاید: از سوی دیگر، به متنی نیاز داشتم که قابلیت حضور بازیگران متعدد را داشته باشد و بتواند زمینه مشارکت تعداد بیشتری از این زندانیان در اجرای نمایش را فراهم کند. بنابراین به دنبال متن نمایش تعزیه و به صورت مشخص، شخصیت حُر رفتم. در گفت وگو با آرش خیرآبادی، قرار شد نگاه مدرن تر و جدیدتری در مقایسه با متون تعزیه سنتی داشته باشیم. از سوی دیگر، احساس کردم با متون تغزیه قدیمی آن گونه که باید، با مخاطب و حتی بازیگران ارتباط لازم برقرار نمی شود. در نتیجه، متن بازنویسی شد. حسینی می گوید: نمایش، اجرای موفقی داشت و به جشنواره زندانیان هم راه پیدا کرد و همان سال برای جشنواره فجر هم انتخاب شد. آن زمان، تعدادی اثر برای اجرا در کشور آلمان انتخاب شد که اتفاقا یکی از آن ها هم «مثنوی سرخ» بود. اما چون بازیگران نمایش همه زندانی بودند، امکان سفر برای ما فراهم نشد. پس از آن، این نمایش را با همراهی بازیگران حرفه ای تئاتر هم کار کردیم که به جشنواره تئاتر عاشورایی راه یافت و اجرای موفقی هم داشت. اتفاقا زمان اجرای نمایش ما با ظهر عاشورا مقارن شد. نمایش را در سالن اصلی تئاتر شهر تهران اجرا کردیم و آن قدر مخاطب برای دیدن نمایش آمده بود که به اصطلاح سالن جایی برای سوزن انداختن هم نداشت. در این اجرا، تعدادی از مسئولان سیاسی و مدیران وزارت ارشاد هم حضور داشتند. امسال هم مسعود حکم آبادی که از گذشته با این نمایش به عنوان بازیگر همراه بوده، به عنوان تهیه کننده پیشنهاد داد که این نمایش دوباره اجرا شود.

وی در ادامه می گوید: این نمایش باید به لحاظ اجرایی قوت لازم را داشته باشد و پس از آن به روی صحنه برود. تمرین ها هم هر روز و به صورت جدی ادامه دارد. در انتخاب نور و لباس و... نیز دقت های لازم صورت گرفته است و امیدواریم شاهد اجرای خوبی باشیم.

با نمایش های آیینی رفتار مناسبی نداشته ایم

این کارگردان تئاتر در ادامه می گوید: متأسفانه در سال های گذشته با نمایش های آیینی رفتار مناسبی نداشته ایم و به آن لطمه وارد شده است. در ارتباط با اجرای نمایش های آیینی، نباید از یاد ببریم که ما قرار است یک تئاتر و با تمام شاخصه های یک تئاتر حرفه ای اجرا کنیم. نباید با غرق شدن در مضامین آیینی، از این شاخصه ها که موجب ارتباط بیشتر با مخاطب می شود، غافل شویم. باز تأکید می کنم که همین مفاهیم آیینی هم وقتی جلوه و تأثیرگذاری بیشتری پیدا می کند که با شاخصه های هنری عرضه شود. ما از این موضوع غفلت کرده ایم که مضامین خوب و زیبای آیینی را نتوانسته ایم در شکل و ارائه متناسب عرضه کنیم.

وی تأکید می کند: ما حتی اگر بهترین تولید را هم داشته باشیم و این تولید بازنمایی رسانه ای مناسبی نداشته باشد، کار به درستی صورت نگرفته است. بنابراین رسانه در این موضوع می تواند نقش بسزایی داشته باشد. از سوی دیگر، این موضوع را نباید از یاد ببریم که وقتی نگاه یک گروه هنری به گیشه است و کار خوبی هم ارائه می کنند، نگرانی از بابت آن ندارند. مخاطبان هم کار را انتخاب و برای آن هزینه پرداخت می کنند. اما نمایش ما، یک نمایش آیینی است که قرار است در ایام ماه محرم و صفر هم اجرا شود. ضمن اینکه بنا نیست مخاطب برای دیدن آن هزینه ای پرداخت کند. هر چند که برای تولید آن هزینه شده است. معتقدم سازمان ها و نهادهایی مانند شهرداری، اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی، حوزه هنری و ... باید از این گونه کارها حمایت کنند. هر چند که معاونت فرهنگی اجتماعی شهرداری مشهد در سال های اخیر، حمایت های بسیار خوبی از فعالیت های هنری و از جمله تئاتر داشته است.

برای امام حسین (ع) نمی توانیم کم بگذاریم

محمد حسن زاده، یکی از بازیگران نمایش نیز می گوید: در نخستین اجرای نمایش در تربت حیدریه، دستیار آقای حسینی بودم و در این اجراها هم قرار است به عنوان بازیگر نقش عبیدا... بن زیاد همراه کار باشم.

وی می افزاید: متن به گونه ای نوشته شده که اجراها بیش از آنکه درونی و حسی باشد، بیرونی است و به همین دلیل باید از قدرت بیان بهره گرفت. تمرینات نیز به خوبی پیش می رود و همه اعضای گروه تلاش می کنند تا کار به بهترین شکل ممکن دنبال شود. حدود دو ماه است که تمرینات ادامه دارد و هر روز نزدیک به سه ساعت تمرین می کنیم. وقتی با شخصیتی مانند امام حسین (ع) روبه رو هستی، دیگر نمی توانی کم بگذاری؛ باید کاری انجام شود که در شأن آن حضرت باشد. اگر این گونه نباشد، حتی با نگاه خوبی از سوی مخاطب نیز همراه نخواهد بود. از سوی دیگر، معتقدم در ساختار درام، اگر بازیگر نقش منفی بتواند نقش خود را به درستی و با قدرت ایفا کند، نقش مثبت نیز جلوه بیشتری پیدا می کند. تا زمانی که شمر و حرمله به درستی در نمایش جان نگیرند، تأثیر شخصیت سیدالشهدا (ع) نیز آن گونه که باید، به نمایش درنمی آید. نقش منفی باید چنان طراحی و اجرا شود که حقانیت امام حسین (ع) برای مخاطب به روشنی و درستی تصور شود. حسن زاده تأکید می کند: نمایش های آیینی و مذهبی هم مخاطب فراوان دارد به شرطی که خوب اجرا شود. عشق و علاقه به معصومین (ع) در باطن بسیاری از افراد جامعه جریان دارد و اجرای کار فاخر و در شأن آن ها باعث ماندگاری مخاطب می شود.

ادای دین به ائمه معصومین (ع)

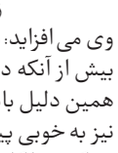

مسعود حکم آبادی، تهیه کننده و یکی از بازیگران نمایش «مثنوی سرخ» می گوید: تا به امروز، در آثار زیادی و اغلب به عنوان تهیه کننده حضور داشته ام. افتخارات زیادی را هم برای استان کسب کرده ام که از جمله آن، حضور متوالی و کسب افتخارات متعدد در ۳ دوره جشنواره فجر در سال های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۷ بوده است.

وی می افزاید: نمایش «مثنوی سرخ» به چند دلیل برایم ارزشمند و قابل احترام است. این، اولین نمایشی بود که بهمن ماه ۱۳۸۴ و حدود بیست سال پیش به همراه آن، در صحنه نمایش قدم گذاشتم و به عنوان بازیگر و در گروه فرم نمایش حضور داشتم. از سوی دیگر، طی سال های اخیر مشکلات زیادی را از سر گذرانده ام و حس می کنم در گذر از این مشکلات، به ائمه معصومین (ع) و به ویژه امام حسین (ع) مدیون هستم و باید این دین را به گونه ای ادا کنم. بنابراین تصمیم گرفتم این نمایش را بار دیگر به روی صحنه ببرم.

حکم آبادی بیان می کند: با وجود آنکه در عرصه تئاتر بیش از آنکه بازیگری را تجربه کنم، تهیه کننده بوده ام، اما از همان اجرای اول و در پانزده سالگی، دوست داشتم در نقش بازیگران اصلی حضور داشته باشم. به اجرای نقش شمر هم علاقه داشتم. البته به کارگردان نمایش هم تأکید کردم اگر مصلحت می داند، از همان بازیگر نقش شمر که سال ۱۳۸۴ این نمایش را بازی کرده برای کار دعوت کند. همان طور که برای نقش عمر بن سعد هم از همان بازیگر سال ۱۳۸۴ استفاده کرده است. سراغ بعضی تعزیه خوانان هم رفتیم تا این نقش را بازی کنند. اما در هر حال، تصمیم گرفته شد چند جلسه ای به صورت آزمایشی در کنار گروه تمرین کنم و در نهایت، قرار شد این نقش را بازی کنم. امیدوارم بتوانم از عهده نقشی که به من سپرده شده است، بر بیایم.

وی تأکید می کند: از همان اول به اعضای گروه اعلام کرده ام که این اجرا به صورت کاملا رایگان به روی صحنه خواهد رفت و بلیت فروشی نخواهیم داشت. تمام هزینه آن را هم به عنوان یک نذر فرهنگی پرداخت می کنم. هزینه ها انجام می شود و با بازیگران قرارداد بسته شده، پرداختی ها هم انجام شده است. البته از شهرداری درخواست کرده ایم از این کار به عنوان یک کار آیینی حمایت کند. اما حتی توقع اولیه حمایت هم نداشته ام. ما تمرینات خود را دو ماه است آغاز کرده ایم و مکاتبه ای که برای حمایت شهرداری داشته ام مربوط به هفته گذشته است.

ضرورت نگاه حرفه ای به کار آیینی

حکم آبادی در بخش دیگری از سخنان خود می گوید: ممکن است کاری که قرار است رایگان انجام شود، در نگاه اول از سوی مردم کم ارزش تلقی شود. اما تلاش کرده ایم با برنامه ریزی تبلیغاتی صورت گرفته، این نمایش به عنوان یک تعزیه مدرن به مخاطبان معرفی شود؛ تعزیه ای که قرار است در سالن تئاتر اجرا شود و شاید همین موضوع در نگاه نخست برای برخی از مردم کمی غریب به نظر برسد.

علاوه بر این، مخاطب در مدت زمان حضور خود برای تماشای این اثر، با هنجارهای اجرای یک نمایش امروزی روبه رو خواهد شد و لازم است این هنجارها را رعایت کند. در این اثر، مخاطب با فضایی ترکیبی از تئاتر و تعزیه مواجه می شود و برای ما، حفظ هویت و شناسنامه تئاتری اثر از اهمیت بالایی برخوردار است.

وی می افزاید: نگاه ما این است که تئاتر را به مفهوم آیینی و مذهبی آن هم داشته باشیم و از یاد نبریم که تئاترآیینی، یکی از گونه های قدیمی هنرهای نمایشی است. از یک گروه کاملا حرفه ای هم در این کار استفاده کرده ایم. امیدواریم اجرایی فاخر و ماندگار هم داشته باشیم.

گزارشی از مراسم اکران مجموعه مستندهای هویت مشهد در پردیس سینمایی مهر کوهسنگی

جای خالی مرکز مستندسازی در مشهد

گزارش خبری

رضا شیدا| پردیس سینمایی مهر کوهسنگی مشهد، میزبان جمعی از علاقه مندان به هنر سینما بود که برای دیدن تعدادی از مجموعه مستند هویت مشهد گرد هم آمده بودند. مجموعه ای که محمد دستمالچیان، مستندساز مشهدی که مدتی است مهاجرت کرده و در تهران ساکن شده، آن را تهیه کرده است. در این نشست هنری که با همراهی حوزه هنری انقلاب اسلامی خراسان رضوی برگزار شد، سه مستند با موضوع های «ماه محرم»، «کُشتی مشهد» و «محله بالاخیابان» به نمایش درآمد. مجموعه هایی که کارگردان در آن ها تلاش کرده است برگ هایی از تاریخ مشهد را بازگو کند؛ بخش هایی که تاکنون یا مورد توجه قرار نگرفته اند یا کمتر به آن ها پرداخته شده است. هدف نهایی این آثار، ثبت و ضبط این بخش از تاریخ پیش از آن است که تاریخ سازان و راویان آن از میان بروند؛ تا این میراث فرهنگی و اجتماعی برای آیندگان حفظ شود. در پایان پخش این مستندها نیز دستمالچیان نکاتی درباره ضرورت توجه به تاریخ شفاهی و ساخت مستند درباره هویت شهری بیان کرد.

روایت وقایع مشهد برای آیندگان

دستمالچیان با اشاره به اینکه کار فیلم سازی را از سال ۱۳۶۳ و با ساخت فیلم های داستانی آغاز کرده است، بیان کرد: از اوایل دهه ۷۰، کار در مجموعه صدا و سیما را با تدوین مجموعه های مستند آغاز کردم. همین امر هم باعث شد کم کم به ساخت مستند رو بیاورم و از حدود سال ۱۳۷۹ کار ساخت مستند را آغاز کردم.

وی افزود: در مسیر کاری خود با امیرحسین صفرلی آشنا شدم و این آشنایی منجر شد تا با همراهی او، کار جمع آوری مجموعه ای از مصاحبه ها با افرادی را آغاز کنیم که آشنایی بیشتری با تاریخ و هویت شهر مشهد داشتند. لوکیشن هایی که ما برای ساخت مجموعه های داستانی از آن ها استفاده می کردیم، به انحاء مختلف در حال ناپدید شدن و از میان رفتن بودند، و افرادی هم که بخشی از تاریخ مشهد را شکل می دادند، کم کم دار فانی را وداع می گفتند. همین موضوع، دغدغه ای جدی برای ما ایجاد کرد تا بتوانیم این فضاها و چهره ها را به گونه ای شایسته برای آیندگان روایت و ثبت کنیم.

ساخت ۳۰ قسمت مستند درباره مشهد

این مستندساز بیان کرد: ما تولید مستند را بدون حمایت نهاد و دستگاه خاصی آغاز کردیم و در نهایت به ساخت سی قسمت مستند درباره مشهد منجر شد که شاید بتوان آن را تنها شناسنامه صدا و سیمای خراسان رضوی از برخی از افراد و مکان های مشهد محسوب کرد.

از تولید این مجموعه مستندها بیش از هفت سال می گذرد و پخش آن نیز از سال ۱۴۰۰ آغاز شده است. دستمالچیان در بخش دیگری از سخنان خود گفت: به ایجاد مرکزی برای مستندسازی در مشهد نیاز داریم تا به واسطه آن بتوانیم اندوخته های خود را با دیگر افرادی که در زمینه هویت شهر و ساخت مستند در این حوزه دغدغه دارند، به اشتراک بگذاریم.

در همه جای دنیا برای تولید مستند سرمایه گذاری می کنند. اما متأسفانه این موضوع در کشور ما کم رنگ است یا اینکه متولیان به صورت جدا از هم به موضوع ورود پیدا کرده اند. مجموعه هایی مانند آستان قدس رضوی، شهرداری، اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی و حوزه هنری می توانند با هم افزایی و انجام فعالیت های مشترک، گام های مؤثری در این مسیر بردارند.